عنوان:

تحول معنوی ضامن تحقق دولت اسلامی

|  |  |
| --- | --- |
| شناسنامه مطلب | |
| کد مطلب | t-171 |
| رده | تزکیه‌ای/تقوای عمومی/اصلاح اندیشه/آشنایی با مسیر/ضرورت تزکیه نفس |
| برچسب | تحول معنوی، تزکیه نفس، دولت اسلامی، تغییر بینش، امام خامنه ای |
| توضیحات |  |

« يا أَيهَا الْمُزَّمِّلُ\* قُمِ اللَّيلَ إِلاَّ قَليلاً \* نِصْفَهُ أَوِ انْقُصْ مِنْهُ قَليلاً \* أَوْ زِدْ عَلَيهِ وَ رَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتيلا \* إِنَّا سَنُلْقي‏ عَلَيكَ قَوْلاً ثَقيلاً » [[1]](#footnote-1)

هان اى جامه به خود پیچیده! پاره‏اى از شب به جز اندكى از آن را برخیز و زنده بدار یا نصف آن را و یا كمى كمتر از نصف را و یا اندكى بر نصف بیفزا و قرآن را شمرده شمرده بخوان آماده باش كه به زودى كلامى سنگین بر تو نازل مى‏كنیم‏.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ هَذَا مَا أَمَرَ بِهِ عَبْدُ اللَّهِ عَلِی أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ مَالِكَ بْنَ الْحَارِثِ الْأَشْتَرَ فِی عَهْدِهِ إِلَیهِ حِینَ وَلَّاهُ مِصْرَ جِبَایةَ خَرَاجِهَا وَ جِهَادَ عَدُوِّهَا وَ اسْتِصْلَاحَ أَهْلِهَا وَ عِمَارَةَ بِلَادِهَا **أَمَرَهُ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ إِیثَارِ طَاعَتِهِ وَ اتِّبَاعِ مَا أَمَرَ بِهِ فِی كِتَابِهِ مِنْ فَرَائِضِهِ وَ سُنَنِهِ** الَّتِی لَا یسْعَدُ أَحَدٌ إِلَّا بِاتِّبَاعِهَا وَ لَا یشْقَى إِلَّا مَعَ جُحُودِهَا وَ إِضَاعَتِهَا وَ أَنْ ینْصُرَ اللَّهَ سُبْحَانَهُ [بِیدِهِ وَ قَلْبِهِ‏] بِقَلْبِهِ وَ یدِهِ وَ لِسَانِهِ فَإِنَّهُ جَلَّ اسْمُهُ قَدْ تَكَفَّلَ بِنَصْرِ مَنْ نَصَرَهُ وَ إِعْزَازِ مَنْ أَعَزَّهُ وَ أَمَرَهُ أَنْ یكْسِرَ [مِنْ نَفْسِهِ عِنْدَ] نَفْسَهُ مِنَ الشَّهَوَاتِ وَ [ینْزَعَهَا] یزَعَهَا عِنْدَ الْجَمَحَاتِ فَإِنَّ النَّفْسَ أَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ اللَّهُ ثُمَّ اعْلَمْ یا مَالِكُ أَنِّی قَدْ وَجَّهْتُكَ إِلَى بِلَادٍ قَدْ جَرَتْ عَلَیهَا دُوَلٌ قَبْلَكَ مِنْ عَدْلٍ وَ جَوْرٍ وَ أَنَّ النَّاسَ ینْظُرُونَ مِنْ أُمُورِكَ فِی مِثْلِ مَا كُنْتَ تَنْظُرُ فِیهِ مِنْ أُمُورِ الْوُلَاةِ قَبْلَكَ وَ یقُولُونَ فِیكَ مَا كُنْتَ [تَقُولُهُ‏] تَقُولُ فِیهِمْ وَ إِنَّمَا یسْتَدَلُّ عَلَى الصَّالِحِینَ بِمَا یجْرِی اللَّهُ لَهُمْ عَلَى أَلْسُنِ عِبَادِهِ **فَلْیكُنْ أَحَبَّ الذَّخَائِرِ إِلَیكَ ذَخِیرَةُ الْعَمَلِ الصَّالِحِ فَامْلِكْ هَوَاكَ وَ شُحَّ بِنَفْسِكَ عَمَّا لَا یحِلُّ لَكَ فَإِنَّ الشُّحَّ بِالنَّفْسِ الْإِنْصَافُ مِنْهَا فِیمَا أَحَبَّتْ أَوْ كَرِهَتْ**»[[2]](#footnote-2)

بسم اللّه الرحمن الرّحیم این فرمانى است كه بنده خدا امیر المؤمنین در پیمانش به مالك بن حارث اشتر زمانى كه او را به فرمانروایى مصر برگزید دستور داد، تا مالیاتهاى آن را جمع كند، و با دشمنش جهاد نماید، و به اصلاح اهلش برخیزد، و شهرهایش را آباد سازد.

**او را فرمان مى‏دهد به تقواى الهى، و مقدّم داشتن طاعت خدا، و پیروى آنچه را كه خداوند در كتابش از واجبات و سنّت‏هاى خود امر فرموده**، كه كسى جز به پیروى آنها خوشبخت نمى‏شود، و جز به انكار و ضایع نمودن آنها بدبخت نمى‏گردد؛ و دیگر آنكه خداوند سبحان را به قلب و دست و زبانش یارى كند، زیرا خداوند یارى یارى كننده خود، و عزّت آن كس را كه او را عزیز بدارد ضامن شده.

او را دستور مى‏دهد كه نفس را به وقت خواسته‏هاى نابجا درهم شكند، و آن را به هنگام سركشى‏ها باز دارد، كه نفس امر كننده به بدى است مگر خداوند رحم نماید.

اى مالك، آگاه باش كه تو را به شهرهایى روانه كردم كه پیش از تو فرمانروایانى در آن به عدالت و ستم حكومت كردند، و مردم به وضع تو به همان صورت مى‏نگرند كه تو به حاكمان پیش از خود مى‏نگریسته‏اى، و همان را در حقّ تو مى‏گویند كه تو درباره حاكمان گذشته مصر مى‏گفته‏اى؛ شایستگان را به ذكر خیرى كه خداوند بر زبان بندگانش جارى مى‏كند مى‏توان شناخت. **پس باید محبوب ترین اندوخته‏ها در نزد تو عمل صالح باشد. بنابر این بر هواهایت مسلط باش، نسبت به خود از آنچه بر تو حلال نیست بخل بورز، زیرا بخل به خود، انصاف دادن از خود است در رابطه با آنچه محبوب یا منفور انسان است.**[[3]](#footnote-3)

بار سنگین انقلاب اسلامی، با هیچ بار و تكلیفی قابل مقایسه نیست. حقیقتاً انقلاب را سالم نگه داشتن و سالم جلو بردن، كار سنگینی است. انقلاب و حكومت ما، مثل انقلابها و حكومتهای دیگر نیست. خدای متعال به رسول اكرم(ص) خطاب فرمود: « یا أَیهَا الْمُزَّمِّلُ\* قُمِ اللَّیلَ إِلاَّ قَلیلاً \*نِصْفَهُ أَوِ انْقُصْ مِنْهُ قَلیلاً\* أَوْ زِدْ عَلَیهِ وَ رَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتیلا\*إِنَّا سَنُلْقی‏ عَلَیكَ قَوْلاً ثَقیلاً »[[4]](#footnote-4). این سخن و بار سنگین، حتّی بر دوش پیامبر آن چنان سنگین است كه او را محتاج به تربیت معنوی و نفسانی و تزكیه‌ی روحی و تمرین مداوم می‌كند و ما افراد ضعیف در مقابل آن چشمه‌های جوشانِ قدرت و نیروی الهی، جای خود داریم.[[5]](#footnote-5)

رسیدن به هدف های بلندِ نظام اسلامی، همّتی می‏خواهد به همان بلندی و پای استواری می‏خواهد تا بتواند این ‏مسیر دشوار را تا رسیدن به قلّه‏ها طی كند و این جز با اتّصال به منبع قدرت، امكان پذیر نیست. هرجا شما در طول‏تاریخ، حاكمیت عدل و دین و معنویت و اخلاق را مشاهده كرده‏اید، در مركزیت و قلب آن، یك دل آگاه و در مجموعه‏آن، دلهای متوجّه و متضرّعِ الی‏الله را حتماً دیده‏اید. صدر اسلام نیز همین‏طور بوده است. در طول تواریخ گذشته، هرجا چنین پدیده‏ای پیدا شده - كه نادر هم بوده - همین‏طور بوده است. زمان خودِ ما هم این پرچم به دست كسی‏برافراشته شد كه دلِ ذاكر و روحِ خاضع و خاشعِ او را در مقابل خداوند همه بعینه مشاهده كردند و آثار آن را دیدند. ما باید خود را بیشتر به این سمت بكشانیم و متمایل كنیم. خود را نیازمند كمك الهی بدانیم. این را احساس كنیم. به‏ تواناییهای خود و آنچه به نظر ما قدرت ماست، تكیه استقلالی و ذاتی نكنیم. از خدا كمك بخواهیم و خود را محتاج اوبدانیم. [[6]](#footnote-6)

همه‏ی هدف های یك جامعه‏ی نیك‏بخت، از قبیل: تأمین عدالت اجتماعی، دستیابی به رفاه عمومی و شكوفایی مادی، پرورش استعدادها و خلاقیت ها در آحاد مردم، برخورداری از دانش و بینش و تجربه، عزت و استقلال و اقتدار ملی، گسترش اخلاق انسانی و روابط سالم میان آحاد مردم و دیگر هدف های والا، در صورتی تأمین می‏شود كه تربیت فردی و تهذیب اخلاقی در آحاد مردم به ویژه در كارگزاران امور كشور، تأمین شود و انسان‏هایی پاك و برخوردار از همت و توكل و اخلاص و صبر و سخت‏كوشی در آن جامعه باشند كه به یاری این پشتوانه‏ی روحی، توانایی برداشتن بارهای سنگین را دارا باشند و در برابر موانع گوناگون و به ویژه امواج فساد و تباهی، یارای ایستادگی داشته باشند. هرچه شمار این‏گونه انسان ‌ها در جامعه و كشوری بیشتر باشد، افق آینده‏ی آن جامعه و آن كشور، روشن‏تر و حركت به سوی نیك‏بختی در آن جامعه و آن كشور، ممكن‏تر و آسان‏تر خواهد بود.[[7]](#footnote-7)

اگر در قله‌های جوامع بشری - كه نخبگان سیاسی و علمی و فرهنگی قرار دارند - اخلاق و معنویت و تزكیه وجود داشته باشد، این سرچشمه‌ی فیاض به دامنه‌ها خواهد رسید و مردم هم از اخلاق نیك برخوردار خواهند شد. مسؤولان كشور اسلامی در درجه‌ی اول مخاطب این سخنند.[[8]](#footnote-8)

در نظام جمهورى اسلامى غیر از دانایى و كفایت سیاسى، كفایت اخلاقى و اعتقادى هم لازم است. افرادى نگویند كه اخلاق‏ و عقیده مسأله‏ى شخصى انسان‏هاست. بله، اخلاق‏ و عقیده مسأله‏ى شخصى انسان‏هاست؛ اما نه براى مسئول. من اگر در جایگاه مسئولیت قرار گرفتم و اخلاق‏ زشتى داشتم؛ فهم بدى از مسائل جامعه داشتم و معتقد بودم كه باید جیب خودم را پُر كنم، نمى‏توانم به مردم بگویم این عقیده و اخلاق‏ شخصى من است و اخلاق‏ و عقیده ربطى به كسى ندارد! براى یك مسئول عقیده و اخلاق‏ مسأله‏ى شخصى نیست؛ مسأله‏اى اجتماعى و عمومى است؛ حاكم شدن بر سرنوشت مردم است. آن كسى كه به مجلس مى‏رود، یا به هر مسئولیت دیگرى در نظام جمهورى اسلامى مى‏رسد، اگر فاسد، بیگانه‏پرست و در خدمت منافع طبقات برخوردار جامعه بود، دیگر نمى‏تواند نقشى را كه ملت و طبقات محروم مى‏خواهند، ایفا كند. اگر آن شخص انسان معامله‏گر، رشوه و توصیه‏پذیر و مرعوبى بود؛ در مقابل تشرِ تبلیغات و سیاستهاى خارجى جا زد، دیگر نمى‏تواند مورد اعتماد مردم قرار گیرد و برود آنجا بنشیند و تكلیف ملك و ملت را معین كند. این شخص غیر از كفایت ذاتى و دانایىِ ذاتى، به شجاعت اخلاقى، تقواى دینى و سیاسى و عقیده‏ى درست هم احتیاج دارد.[[9]](#footnote-9)

شما كه می‌خواهید رعایت اخلاق اسلامى را در قوانین تان مورد توجه قرار بدهید، خوب است كه عملاً هم جلسات اخلاقى و معرفتى داشته باشید. انسان خالى می‌شود. در بحبوحه‌ى كار، انسان تهى می‌شود. یك مقدارى باید در وسط این گرماگرمِ كارهاى اجرائى، آسمانى شد، خدائى شد، بالا رفت، سبك شد و دوباره برگشت. بنده یك وقتى مثال می‌زدم به این آبى كه از آسمان مى‌آید پاكیزه و طاهر و طیب، بعد توى این استخرها و توى این دریاها و دریاچه‌ها آلوده می‌شود، بعد از آلوده شدن، باز تبخیر می‌شود، می‌رود بالا، دوباره پاكیزه می‌شود، برمی‌گردد. برویم بالا و پاكیزه شویم و برگردیم. من و شما خیلى احتیاج داریم.

ما از دورانى كه در قم بودیم، یك رفیقى داشتیم كه از لحاظ معنوى خیلى من به او دلبستگى داشتم، از جلسات ایشان - جلسات دوستانه‌ى دو نفرى، سه نفرى كه مى‌نشستیم با هم گعده‌هاى طلبگى می‌كردیم - من خیلى بهره می‌بردم، از معنویات او، از خلقیات او، از گفتارها و رفتارهاى معرفتى او. ایشان را سالها ندیده بودیم، چون رفته بود نجف و ما هم كه اینجاها مشغول بودیم، سرگرم بودیم. بعد از آنكه من رئیس جمهور شده بودم، ایشان به ایران آمده بود. یك وقت تصادفاً ایشان را دیدم، گفتم رفیق! من الان به تو احتیاجم بیشتر از آن وقت است. من حالا رئیس جمهورم، آن وقت یك طلبه‌ى معمولى بودم. قرار گذاشتیم كه هر هفته‌اى، دو هفته‌اى یك بار بیاید پیش ما. و همین جور هم بود تا از دنیا رفت. رحمة الله علیه. ما نیاز داریم. هر كدام مسؤولیتمان بیشتر است، نیازمان بیشتر است. «آنان كه غنى‌ترند، محتاج‌ترند» به این جلسات اخلاقى، به این جلسات معنوى. [[10]](#footnote-10)

1. - مزمل؛ آیات 1-5 [↑](#footnote-ref-1)
2. - نهج البلاغة (للصبحي صالح)، ص: 427 [↑](#footnote-ref-2)
3. - نهج البلاغة؛ ترجمه انصاريان، متن، ص: 291 [↑](#footnote-ref-3)
4. - مزمل؛ آیات1-5 [↑](#footnote-ref-4)
5. - در ديدار با جمعى از علماء ائمه جمعه و جماعات، مسئولان دستگاه‏هاى ادارى و نهادهاى انقلابى و تشكيلات قضائي، جمع كثيرى از نمايندگان مجلس شوراى اسلامى و فرماندهان نيروى مسلح؛ 26/ 07/ 1368 [↑](#footnote-ref-5)
6. - در دیدار مسؤولان و كارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران؛ 15/5/1382 [↑](#footnote-ref-6)
7. - پیام به پنجمین گردهمایی سالیانه نماز؛ 14/ 06/ 1374 [↑](#footnote-ref-7)
8. - همان [↑](#footnote-ref-8)
9. - در ديدار استادان و دانشجويان قزوين؛‏ 26/ 09/ 1382 [↑](#footnote-ref-9)
10. - در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی؛ 03/04/1388 [↑](#footnote-ref-10)